



## الدَّرْسُ الْأَوَّلُ

### اسم‌های اشاره

اسم‌های اشاره همان «این، آن، این‌ها، آن‌ها» در زبان فارسی است. در جدول زیر اسم‌های اشاره‌ی زبان عربی را آورده‌ایم.

جمع	مثنی	مفرد	
هُؤُلَاءِ (این‌ها)	هُذَانِ - هُذَيْنِ (این دو)	هُذَا (این)	اسم اشاره نزدیک دور
هُؤُلَاءِ (این‌ها)	هَاتَانِ - هَاتَيْنِ (این دو)	هُذِهِ (این)	
أُولَئِكَ (آن‌ها)	—	ذَلِكَ (آن)	
أُولَئِكَ (آن‌ها)	—	تِلْكَ (آن)	

### کلمات پرسشی

برای سؤال کردن جملات، در زبان عربی از کلمات پرسشی استفاده می‌کنیم. در جدول زیر، کلمات پرسشی زبان عربی را مشخص کرده‌ایم.

معنا	کلمه‌ی پرسشی	معنا	کلمه‌ی پرسشی
کجا	أَيْنَ	آیا	أ
از کجا، اهل کجا	مِنْ أَيْنَ	آیا	هَلْ
چند، چه قدر	كَمْ	چه کسی، چه کسانی	مَنْ
چگونه	كَيْفَ	کیست	مَنْ هُوَ
چه	مَاذَا	کیست	مَنْ هِيَ
چرا	لِمَاذَا	برای کیست، مال چه کسی است	لِمَنْ
چه وقت	مَتَى	چیست، چه، چه چیز	مَا
برای چه	لِمَ	چیست	مَا هُوَ
		چیست	مَا هِيَ

### اعداد اصلی

منظور از اعداد اصلی که برای شمارش به کار می‌رود همان یک، دو، سه و ... است. اعداد اصلی ۱ تا ۱۲ به این صورت است:

اعداد اصلی، یک تا دوازده			
یک: واحد	چهار: أَرْبَعَةٌ	هفت: سَبْعَةٌ	ده: عَشْرَةٌ
دو: اِثْنَانِ	پنج: خَمْسَةٌ	هشت: ثَمَانِيَةٌ	یازده: أَحَدُ عَشَرَ
سه: ثَلَاثَةٌ	شش: سِتَّةٌ	نه: تِسْعَةٌ	دوازده: اِثْنَا عَشَرَ

### اعداد ترتیبی

منظور از اعداد ترتیبی همان یکم، دوم، سوم، و ... است که برای بیان مرتبه استفاده می‌شود. اعداد ترتیبی یکم تا دوازدهم به این ترتیب است:

اعداد ترتیبی، یکم تا دوازدهم	
یکم: الْأَوَّلُ / الْأُولَى	هفتم: السَّابِعُ / السَّابِعَةُ
دوم: الثَّانِي / الثَّانِيَةُ	هشتم: الثَّمَانِ / الثَّمَانِيَةُ
سوم: الثَّلَاثُ / الثَّلَاثَةُ	نهم: التَّاسِعُ / التَّاسِعَةُ
چهارم: الرَّابِعُ / الرَّابِعَةُ	دهم: الْعَاشِرُ / الْعَاشِرَةُ
پنجم: الْخَامِسُ / الْخَامِسَةُ	یازدهم: الْحَادِي عَشَرَ / الْحَادِيَةُ عَشْرَةٌ
ششم: السَّادِسُ / السَّادِسَةُ	دوازدهم: الثَّانِي عَشَرَ / الثَّانِيَةُ عَشْرَةٌ

فعل ماضی، مضارع، ضمایر، شخص‌ها

تذکره در فارسی، فعل‌ها و ضمیرها را برای شش شخص به کار می‌بریم. شخص در عربی، «صیغه» نامیده می‌شود.

شخص یا صیغه در فارسی	شخص یا صیغه در عربی	ضمیر	فعل ماضی	مثال	فعل مضارع	مثال	ضمیر پیوسته
اول شخص مفرد (من)	متکلم وحده	أنا (من)	فَعَلْتُ (انجام دادم)	ذَهَبْتُ (رفتم)	أَفْعُلُ (انجام می‌دهم)	أَذْهَبُ (می‌روم)	ي: عملي: کارم
دوم شخص مفرد (تو)	مفرد مذکر مخاطب	أَنْتَ (تو)	فَعَلْتَ (انجام دادی)	ذَهَبْتَ (رفتی)	تَفْعُلُ (انجام می‌دهی)	تَذْهَبُ (می‌روی)	ك: عملك: کارت
مفرد مؤنث مخاطب (تو)	مفرد مؤنث مخاطب	أَنْتِ (تو)	فَعَلْتِ (انجام دادی)	ذَهَبْتِ (رفتی)	تَفْعَلِينَ (انجام می‌دهی)	تَذْهَبِينَ (می‌روی)	ك: عملك: کارت
سوم شخص مفرد (او)	مفرد مذکر غائب	هو (او)	فَعَلَ (انجام داد)	ذَهَبَ (رفت)	يَفْعُلُ (انجام می‌دهد)	يَذْهَبُ (می‌رود)	ه / ه: عمله: کارش
مفرد مؤنث غائب (او)	مفرد مؤنث غائب	هي (او)	فَعَلَتْ (انجام داد)	ذَهَبَتْ (رفت)	تَفْعُلُ (انجام می‌دهد)	تَذْهَبُ (می‌رود)	ها: عملها: کارش
اول شخص جمع (ما)	متکلم مع الغير	نحن (ما)	فَعَلْنَا (انجام دادیم)	ذَهَبْنَا (رفتیم)	نَفْعُلُ (انجام می‌دهیم)	نَذْهَبُ (می‌رویم)	نا: عملنا: کارمان
جمع مذکر مخاطب (شما)	جمع مذکر مخاطب	أنتم (شما)	فَعَلْتُمْ (انجام دادید)	ذَهَبْتُمْ (رفتید)	تَفْعَلُونَ (انجام می‌دهید)	تَذْهَبُونَ (می‌روید)	كُم: عملكم: کارتان
جمع مؤنث مخاطب (شما)	جمع مؤنث مخاطب	أنتن (شما)	فَعَلْتُنَّ (انجام دادید)	ذَهَبْتُنَّ (رفتید)	تَفْعَلْنَ (انجام می‌دهید)	تَذْهَبْنَ (می‌روید)	كُنَّ: عملكن: کارتان
مثنی مذکر یا مؤنث مخاطب	مثنی مذکر یا مؤنث مخاطب	أنتما (شما)	فَعَلْتُمَا (انجام دادید)	ذَهَبْتُمَا (رفتید)	تَفْعَلَانِ (انجام می‌دهید)	تَذْهَبَانِ (می‌روید)	كما: عملكما: کارتان
جمع مذکر غائب (آن‌ها)	جمع مذکر غائب	هم (آن‌ها)	فَعَلُوا (انجام دادند)	ذَهَبُوا (رفتند)	يَفْعَلُونَ (انجام می‌دهند)	يَذْهَبُونَ (می‌روند)	هم: عملهم: کارشان
جمع مؤنث غائب (آن‌ها)	جمع مؤنث غائب	هن (آن‌ها)	فَعَلْنَ (انجام دادند)	ذَهَبْنَ (رفتند)	يَفْعَلْنَ (انجام می‌دهند)	يَذْهَبْنَ (می‌روند)	هن: عملهن: کارشان
سوم شخص جمع (آن‌ها، ایشان)	مثنی مذکر غائب	هما (آن‌ها)	فَعَلَا (انجام دادند)	ذَهَبَا (رفتند)	يَفْعَلَانِ (انجام می‌دهند)	يَذْهَبَانِ (می‌روند)	هما: عملهما: کارشان
مثنی مؤنث غائب	مثنی مؤنث غائب	هما (آن‌ها)	فَعَلْتَا (انجام دادند)	ذَهَبْتَا (رفتند)	تَفْعَلَانِ (انجام می‌دهند)	تَذْهَبَانِ (می‌روند)	هما: عملهما: کارشان

انواع فعل

ماضی (مثبت)	ماضی منفی	مضارع (مثبت)	مضارع منفی	مستقبل (آینده)	نهی	امر
ما + ماضی	ما + ماضی	مضارع (مثبت)	لا + مضارع	س + مضارع سوف + مضارع	لا + مضارع تغییر یافته	حذف (ت) از مضارع تغییر یافته
رَجَعُ: برگشت	ما رَجَعُ: برنگشت	يُرْجِعُ: برمی‌گردد	لا يُرْجِعُ: برنمی‌گردد	سیرجِعُ: باز خواهد گشت سوف یرجِعُ: باز خواهد گشت	لا تُرْجِعُ: برنگرد	إِرْجِعْ: برگرد

الدَّرْسُ الْأَوَّلُ

و حالا یک سؤال ذهنمان را به خودش مشغول کرده! «مضارع تغییر یافته» یعنی چی؟  
برای پیدا کردن جواب این سؤال به روش ساختن نهی و امر توجه کنید:

**روش ساختن فعل نهی (لا + مضارع تغییر یافته)**

به ابتدای فعل مضارع حرف «لا» اضافه می کنیم که به آن، «لای نهی» می گوئیم. این «لا» باعث تغییراتی در انتهای فعل می شود که به ترتیب زیر انجام می شود:

اگر در آخر فعل، ضمه (ـُ) داشته باشیم آن را به سکون (ـ) تبدیل می کنیم.	اگر در آخر فعل، حرف «ن» داشته باشیم آن را حذف می کنیم.
اگر در آخر فعل، ضمه (ـُ) داشته باشیم آن را به سکون (ـ) تبدیل می کنیم.	(به شرط این که قبل از «ن» یکی از حروف «و - ا - ی» داشته باشیم).
در دو صیغه‌ی دوم و سوم شخص (جمع مؤنث) این شرط وجود ندارد پس «ن» حذف نمی شود.	

**تذکره:** اگرچه می توانیم از تمام صیغه‌های مضارع، فعل نهی بسازیم ولی اکثراً فعل نهی از صیغه‌های دوم شخص (مفرد و جمع) یعنی از صیغه‌های مخاطب ساخته می شود.

**روش ساختن فعل امر (حذف «ت» از مضارعی که آخرش تغییر یافته)**

فعل امر فقط از مضارع دوم شخص (مفرد و جمع) یعنی فقط صیغه‌های مخاطب ساخته می شود البته با اجرای سه مرحله:  
حرف «ت» را از ابتدای مضارع دوم شخص حذف می کنیم.

اگر اولین حرف بعد از «ت»، ساکن (ـ) باشد با حذف «ت» باید «ا» جایگزین آن کنیم که علامت آن به علامت حرف دوم ریشه بستگی دارد:  
(اگر حرف دوم ریشه، ـَ باشد از «أ» و اگر ـِ یا ـِ باشد، از «إ» استفاده می کنیم)

تَنْظُرٌ ← أَنْظُرْ      تَلْعَبُ ← اَلْعَبْ      تَجْلِسُ ← اِجْلِسْ

انتهای فعل را به روشی که در ساختن فعل نهی گفتیم تغییر می دهیم.  
ن (حذف)      ن (بدون تغییر)

به اجرای این مراحل در مثال‌های زیر توجه کنید:

تَذَهَّبُ (می روی) ← اِمْرٌ اِذْهَبْ (برو)      تَذَهَّبُونَ (می روید) ← اِمْرٌ اِذْهَبُوا<sup>۲</sup> (بروید)  
تَذَهَّبْنَ (می روید) ← اِمْرٌ اِذْهَبْنَ (بروید)

**تذکره:**

در ساختن فعل نهی و فعل امر همیشه انتهای فعل دچار تغییر می شود. (غیر از صیغه‌ی دوم شخص جمع مؤنث) بهتر است بدانیم که به تغییرات انتهای فعل که در ساختن امر و نهی اجرا می شود و خلاصه‌ی آن در مرحله‌ی شماره‌ی ۳ در امر آمده است اصطلاحاً «مجزوم» کردن، گفته می شود، پس برای ساختن امر و نهی انتهای فعل را مجزوم می کنیم.

۱- بر این اساس، فعل مضارع منفی در صیغه‌های جمع مؤنث غائب و جمع مؤنث مخاطب با فعل نهی آن‌ها تشابه پیدا می کند و تنها از قرائن موجود در جمله می توان پی برد که فعل مضارع منفی است یا نهی: لا تَذَهَّبْنَ (مضارع منفی: نمی روید (شما))

۲- در هنگام ساختن نهی یا امر از دوم شخص جمع (مذکر) که آخرش «ون» دارد با حذف «ن» نباید «و» تنها بماند. به همین دلیل به آن «ا» اضافه می کنیم که البته خوانده نمی شود: تَذَهَّبُونَ ← لا تَذَهَّبُوا ← اِمْرٌ اِذْهَبُوا

تفاوت لای نفی و لای نهی: لای نفی (منفی) باعث تغییر انتهای فعل نمی‌شود ولی لای نهی انتهای فعل را تغییر می‌دهد. (مجزوم می‌کند)  
مانند: لا تذهبُ: نمی‌روی (نفی) لا تذهبُ: نرو (نهی)

### حروف اصلی (ریشه) - وزن

- اکثر کلمات در عربی، ریشه دارند. ریشه، همان حروف اصلی هر کلمه است که سه حرف می‌باشد.
- کلمات هم‌خانواده، از یک ریشه ساخته شده‌اند. مانند: عالم، معلوم، علیم، علماء و تعلیم همگی از ریشه‌ی «ع ل م»
- آهنگ و ریتم هر کلمه را «وزن» می‌گویند. اگر به جای ریشه‌ی کلمه، «ف-ع-ل» را قرار دهیم، وزن آن کلمه به دست می‌آید. مانند:

کلمه ←	عالم	تعلیم	منصور	سجّاد	أَكْبَر	عَسَلْتُمْ	مَسَجِد	صَرَب
وزن ←	فَاعِل	تَفْعِيل	مَفْعُول	فَعَال	أَفْعَل	فَعَلْتُمْ	مَفْعِل	فَعْل

**نکته‌ی ترجمه:** معمولاً وزن «فَاعِل» به معنای «انجام‌دهنده یا دارنده‌ی حالت»، و وزن «مَفْعُول» به معنای «انجام‌شده» است.  
مانند: صانع: سازنده / مصنوع: ساخته‌شده / ضارب: زننده / مضروب: زده‌شده

### ترکیب وصفی - ترکیب اضافی

**موصوف و صفت:** در عربی هرگاه دو اسم، پشت سر هم قرار گیرند و هر دو «ال» داشته باشند و یا هر دو بدون «ال» باشند، در صورتی که علامت آخر هر دو، یکسان باشد، موصوف و صفت محسوب می‌شوند.

مانند: الصنعة الجديدة	مختبر صغير
موصوف صفت	موصوف صفت
(صنعت جدید)	(آزمایشگاه کوچکی)

**مضاف و مضاف‌الیه:** دو اسم پشت سر هم که اولی (مضاف)، «ال» و تنوین (ـَ ـِ ـُ) ندارد، ولی دومی (مضاف‌الیه) معمولاً «ال» و یا گاهی تنوین دارد.

مانند: صناعة الورق	مختبر مدرسة
مضاف مضاف‌الیه	مضاف مضاف‌الیه
(صنعت کاغذ)	(آزمایشگاه مدرسه‌ای)

**نکته‌ی ترجمه:** با دیدن این فرمول «اسم + ضمیر متصل + صفت ال‌دار»، در ترجمه، ضمیر را بعد از صفت قرار دهید.

مانند: أختي الكبيرة: خواهر بزرگ من      عملك الصالح: کار نیک تو  
خواهر من بزرگ      کار تو نیک

### ماضی استمراری

هرگاه یکی از فعل‌های خانواده‌ی «کان» (کان - کانا - کانوا - کانت - کانتا - کنّ - کنت - کنتما - کنتم - کنتب - کنتما - کنتن - کنتا - کنتا) کمی قبل‌تر از یک فعل مضارع بیاید، آن دو به صورت یک فعل ماضی استمراری ترجمه می‌شوند. مانند:  
کان طلاب الجامعة يدرسون: دانشجویان دانشگاه درس می‌خواندند      كانوا يصنعون بيتاً: خانهای می‌ساختند.

### بیان ساعت

در عربی برای بیان ساعت کامل، از اعداد ترتیبی (بر وزن «الفاعلة») استفاده می‌شود و برای بیان «نیم» از «النصف» و برای «ربع» از «الرّبع» و برای «یک ربع مانده به ...» از فرمول «عدد ترتیبی + إلا + ربعاً» استفاده می‌شود. مانند:  
ساعت پنج تمام: الخامسة تماماً / پنج و ربع: الخامسة والرّبع / پنج و نیم: الخامسة والنّصف / یک ربع مانده به پنج: الخامسة إلا ربعاً

### رنگ‌ها و روزهای هفته

الألوان: رنگ‌ها ← أخضر (سبز)، أحمر (سرخ)، أزرق (آبی)، أبيض (سفید)، أصفر (زرد) أسود (سیاه) و بنفسجی (بنفش)  
أيام الأسبوع: روزهای هفته ← السبت (شنبه)، الأحد (یک‌شنبه)، الإثنين (دوشنبه)، الثلاثاء (سه‌شنبه)، الأربعاء (چهارشنبه)، الخميس (پنج‌شنبه)، الجمعة (جمعه)



ذو	حِکْمَةٌ	بَالِغَةٌ	و	قُدْرَةٌ	مُقْتَدِرَةٌ
دارای	حکمتی	کامل	و	قدرتی	توانا

(او که) دارای دانایی کامل و قدرتی پایدار و توانا است.

أَوْجَدَ: فعل ماضی

أَنْظُرُ	إِلَى اللَّيْلِ	فَمَنْ	أَوْجَدَ	فِيهِ	قَمَرَهُ
نگاه کن	به شب	پس چه کسی	پدید آورد	در آن	ماه (را)

(آن‌گاه) به شب بنگر، پس چه کسی در آن (شب تاریک) ماه را پدید آورده است؟

زَانَ: فعل ماضی

وَزَانَهُ	بِالنَّجْمِ	كَالذَّرِيرِ	الْمُنْتَشِرَةِ
و آراست آن (را)	با ستارگانی	مانند مرواریدهای	پخش شده

و شب را با ستارگانی آراست همانند مرواریدهای پخش شده.

و أَنْظُرُ	إِلَى الْغَيْمِ	فَمَنْ	أَنْزَلَ	مِنْهُ	مَطَرَهُ
و بنگر	به ابر	پس چه کسی	نازل کرد	از آن	باران (را)

به ابر بنگر، پس چه کسی از آن باران فرو فرستاد؟

**توجه:** حرف «ه» در آخر مصراع دوم ابیات این درس علامت مؤنث است (ة) که به دلیل ضرورت شعری نقطه‌های آن حذف شده است، ولی در آخر واژه‌های «قمر، مطر» علامت مؤنث بودن نیست و تنها به خاطر هماهنگ شدن وزن شعر آمده است!

کلمات عربی	فعل	أَوْجَدَ: پدید آورد	زَانَ: زینت داد	كَمَلُ: کامل کن
	اسم‌های جمع	أَنْ سَافِرٌ: که سفر کنم	صَعُ: بگذار	نَمَتْ: رشد کرد «مؤنث»
		أَنْزَلَ: نازل کرد	عَيَّنُ: مشخص کن	يُخْرِجُ: درمی‌آورد
	سایر کلمات	جَهَّزَ: مجهز کرد	قُلُ: بگو	يُنَاسِبُ: مناسب می‌باشد
		أَنْعَمُ: نعمت‌ها (مفرد: نعمة)	ذُرُرُ: مرواریدها (مفرد: ذُر)	عُصُونُ: شاخه‌ها (مفرد: عُصْن)
		أَنْجُمُ، ستارگان (مفرد: نجم)		
		أَنْ: که	ذَلِكَ: آن	مَطَارُ: فرودگاه
		بَالِغُ: کامل	شُرُورَةٌ: اخگر (پاره‌ی آتش)	مَعَ الْأَسْفِ: متأسفانه
		تَعَاُفُ: آشنایی	ضِيَاءُ: روشنایی	مَنْ ذَا: این کیست؟
		جَذْوَةٌ: پاره‌ی آتش	غَيْمُ: ابر	مُسْتَعِزَّةٌ: فروزان
ذَا: این (هَذَا)		فِرَاقُ: جای خالی	مُسْتَعِينًا بِ: با کمک	
ذات: دارای	قَاعَةٌ: سالن	مُنْهَمِرَةٌ: ریزان		
ذَلِكَ: آن (ذَلِكَ)				

صَعُ	إِجْعَلُ	نَصْرَةٌ	طَارِحٌ	الثَّمَرَةُ	الْفَاكِهَةُ
قرار بده	قرار بده	تر و تازه	تازه	میوه	میوه
الجذوة	الشَّرْرَةُ	ضِيَاءُ	نور	أَوْجَدَ	خَلَقَ
پاره‌ی آتش	پاره‌ی آتش	روشنایی	روشنایی	پدید آورد	آفرید
البالغ	الكامل	أَنْجُمُ	كواكب	الغَيْمِ	السَّحَابِ
کامل	کامل	ستارگان	ستارگان	ابر	ابر
نام	زَقَدٌ	مُجَدٌ	مُجْتَهَدٌ	لِمَ	لِمَاذَا
خوابید	خوابید	تلاشگر	تلاشگر	چرا	چرا

الدّرس الأول

يموت	يعيش	كذب	صدق	قلّة	كثرة
مى میرد	زندگی می کند	دروغ بودن	راستی	كمی	زیادی
الأفاضل	الأراذل	دائماً	أبدأ	الأخرة	الدّنيا
شایستگان	فرومایگان	همیشه	هیچ گاه	آخرت	دنیا
غالي	زخيص	حصّد	زرّع	كثير	قليل
گران	ارزان	درو کردن	كاشت	زیاد	کم
غداً	اليوم	حزين	مسرور	راسب	ناجح
فردا	امروز	غمگين	شاد	مردود	قبول
يسار	يمين	بيع	شراء	ممنوع	مسموح
چپ	راست	فروختن	خریدن	ممنوع	مجاز
بعيد	قريب	قبيح	جميل	نهاية	بداية
دور	نزدیک	زشت	زیبا	پایان	آغاز

متابع

حوار (التعارف في مطار النجف الأشرف)

أحد الموظفین في قاعة المطار	گفت وگو	زائر مرقد أمير المؤمنين علی
یکی از کارمندان در سالن فرودگاه	آشنایی با یکدیگر در فرودگاه نجف اشرف	زائر مرقد امیرمؤمنان علی
وَعَلَيْكُمْ السَّلَامُ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ.		السَّلَامُ عَلَيْكُمْ.
و سلام و رحمت و برکات خداوند بر شما.		سلام بر شما.
صباح النور و الشّورور.		صباح الخیر یا آخی.
صبح به خیر و خوشی.		صبح به خیر ای برادر.
أنا بخیر، و كيف أنت؟		كيف حالک؟
من خوبم و شما چه طوری؟		حالت چه طوره؟
عفواً، من أين أنت؟		بخیر و الحمد لله.
ببخشید، اهل کجا هستی؟		خوبم، شکر خدا.
ما اسمک الکریم؟		أنا من الجُمهوریة الإسلاميّة الإيرانيّة.
اسم شریف شما چیه؟		من از جمهوری اسلامی ایرانم.
إسمي عبد الرّحمان.		إسمي حسین و ما اسمک الکریم؟
اسم من عبدالرحمان است.		نام من حسین است و نام شریف شما چیه؟
لا؛ مع الأسف. لکنی أحب أن أسافر.		هل سافرت إلى إيران حتى الآن؟
نه، متأسفانه. ولی دوست دارم که سفر کنم.		آیا تا به حال به ایران سفر کرده‌ای؟
إن شاء الله؛ إلى اللّقاء؛ مع السّلامّة.		إن شاء الله تُسافر إلى إيران!
ان شاء الله؛ به امید دیدار، به سلامت.		اگر خدا بخواهد به ایران سفر می‌کنی!
في أمان الله و حفظه، یا حبیبي.		في أمان الله.
در امان و پناه خدا، ای دوست من.(خداحافظ)		خداحافظ. (در پناه خدا)



السلمى  
مطر  
مضارع التزمى  
المسئول  
ع التزمى ش



مطر  
مضارع التزمى  
المسئول  
ع التزمى ش  
حوار لازم  
تفعيل  
السلمى  
مطر  
مضارع التزمى  
المسئول



## التمارين

التمرين الأول: تَرْجِمْ هَذِهِ الْجُمْلَ، وَكْتُبْ نَوْعَ الْأَفْعَالِ. (تمرين اول: این جملات را ترجمه کن و نوع فعلها را بنویس.)

روى ديوار نويس	لا تَكْتُبْ عَلَى الْجِدَارِ:	نامهات را بنویس	اُكْتُبْ رِسَالَتَكَ:
نهى		فعل امر	
آن‌ها به سرعت نمی‌نویسند	هُنَّ لَا يَكْتُبْنَ بِسُرْعَةٍ:	تکالیفتان را بنویسید	اُكْتُبُوا وَاجِبَاتِكُمْ:
مضارع (منفی)		فعل امر	
ما پژوهش‌هایی را خواهیم نوشت	إِنَّا سَوْفَ نَكْتُبُ أَبْحَاثًا:	درس را خواهیم نوشت	سَأَكْتُبُ دَرْسِي:
مستقبل		مستقبل	
با دقت می‌نوشتند	كَانُوا يَكْتُبُونَ بِدِقَّةٍ:	تمرین‌هایتان را بنویسید	مَا كَتَبْتُمْ تَمَارِينَكُمْ:
ماضی استمراری		ماضی (منفی)	

التمرين الثاني: صَعِّ فِي الدَائِرَةِ الْعَدَدَ الْمُنَاسِبِ. (كَلِمَةٌ وَاحِدَةٌ زَائِدَةٌ) (عدد مناسب را در دایره قرار بده. (یک کلمه اضافی است.))

- ۱- الشَّرْرَةُ: زبانه‌ی آتش
  - ۲- الشَّمْسُ: خورشید
  - ۳- القَمَرُ: ماه
  - ۴- الأَنْعُمُ: نعمت‌ها
  - ۵- الأَلْعِيمُ: ابر
  - ۶- الأَفْستَانُ: پیراهن زنانه
  - ۷- الدَّرَزُ: مرواریدها
- کلمه‌ی اضافی: «الأَنْعُمُ: نعمت‌ها»

التمرين الثالث: صَعِّ هَذِهِ الْجُمْلَ وَ التَّرَاكِبِ فِي مَكَانِهَا الْمُنَاسِبِ. (این جمله‌ها و ترکیب‌ها را در جای مناسبش قرار بده.)

هُؤْلَاءِ فَائِزَاتٍ / هَذَانِ الدَّلِيلَانِ / تَلِكِ البَطَّارِيَةِ / أَوْلَئِكَ الصَّالِحُونَ / هُؤْلَاءِ الأَصْدِقَاءِ / هَاتَانِ رُجَايَتَانِ

مفرد مؤنث	مثنی مذكر	مثنی مؤنث	جمع مذكر سالم	جمع مؤنث سالم	جمع مكسر
تلك البطارية	هذان الدليلان	هاتان رُجَايَتَانِ	أولئك الصالحون	هؤلاء فائزات	هؤلاء الأصدقاء
آن باطری	این دو راهنما	این دو، شیشه هستند	آن نیکوکاران	این‌ها، برنده هستند	این دوستان

تذكر: هرگاه اسم اشاره قبل از اسم «ال» دار بیاید به صورت مفرد (این / آن) ترجمه می‌شود، حتی اگر مثنی یا جمع باشد.

الدَّرْسُ الْأَوَّلُ

التَّمَرِينُ الرَّابِعُ: أَكْثَبُ وَزْنَ الْكَلِمَاتِ التَّالِيَةِ وَ حُرُوفَهَا الْأَصْلِيَّةَ. (وزن كلمات زیر و حروف اصلی آن‌ها را بنویس.)

- ۱- ناصر، منصور، أنصار: ناصر بر وزنِ ← **فَاعِل** منصور بر وزنِ ← **مَفْعُول** أنصار بر وزنِ ← **أَفْعَال** همگی از ریشه‌ی ← **ن ص ر**  
 ۲- صَبَّار، صَبُور، صَابِر: صَبَّار بر وزنِ ← **فَعَّال** صَبُور بر وزنِ ← **فَعُول** صَابِر بر وزنِ ← **فَاعِل** همگی از ریشه‌ی ← **ص ب ر**

التَّمَرِينُ الْخَامِسُ: صَنَعِ الْمُتَرَادِفَاتِ وَ الْمُتَضَادَّاتِ فِي الْفَرَاغِ الْمُنَاسِبِ. (مترادفها و متضادها را در جای خالی مناسب قرار بده.)

ضياء / نام / ناچج / مسرور / قَريب / جميل / نهائة / يمين / غالية / شراء / مسموح / مُجَدِّد

رخيصة	غالية	راسب	ناجج	يسار	يمين	حزين	مسرور
ارزان	گران	مردود	قبول	چپ	راست	غمگين	شاد
بيع	شراء	بداية	نهائة	بعيد	قريب	مُجْتَهِد	مُجَدِّد
فروش	خرید	آغاز	پایان	دور	نزدیک	تلاشگر	تلاشگر
رَقْد	نام	قبيح	جميل	نور	ضياء	ممنوع	مسموح
خوابید	خوابید	زشت	زیبا	نور	روشنی	ممنوع	مجاز

التَّمَرِينُ السَّادِسُ: ارْشُمْ عَقَارِبَ السَّاعَاتِ. (عقربه‌های ساعت‌ها را رسم کن.)

الإسْحَاحُ



التَّاسِعَةُ إِلَّا زُبْعًا  
یک ربع مانده به نه



الثَّامِنَةُ وَ النَّصْفُ  
هشت و نیم



الْخَامِسَةُ وَ الرَّبْعُ  
پنج و ربع

الْبَحْثُ الْعِلْمِيُّ «پژوهش علمی»

ابْحَثْ فِي الْإِنْتَرْنِتِ أَوْ الْمَكْتَبَةِ عَنْ نَصِّ قَصِيرٍ أَوْ جُمْلٍ بِاللُّغَةِ الْعَرَبِيَّةِ حَوْلَ عَظَمَةِ مَخْلُوقَاتِ اللَّهِ، ثُمَّ تَرَجِّمُهُ إِلَى الْفَارِسِيَّةِ مُسْتَعِينًا بِمُعْجَمٍ عَرَبِيٍّ - فَارِسِيٍّ. در اینترنت یا کتابخانه در مورد متنی کوتاه یا جملاتی به زبان عربی درباره‌ی عظمت آفریده‌های خداوند جست‌وجو کن (پژوهش کن) سپس آن را با کمک واژه‌نامه‌ی عربی به فارسی به زبان فارسی ترجمه کن.

«جبالٌ كبير كوه في مدينة بدرَة بِمُحَافَظَةِ إِيلَامِ»

«کوه‌های «کبیرکوه» در شهر «بدره» در استان ایلام»

﴿وَيَتَفَكَّرُونَ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَاطِلًا﴾

«آل عمران: ۱۹۱»

درباره‌ی آفرینش آسمان‌ها و زمین می‌اندیشند (و می‌گویند) ای پروردگار ما! این (ها) را باطل و بیهوده نیافریده‌ای.

## سؤالهای امتحانی

### الف) ترجم العبارات التالية:

- ۱- كيف نَمَتْ مِنْ حَبَةٍ و كيف صَارَتْ شَجَرَةً؟
- ۲- فابْحَثْ و قُلْ مَنْ ذَا الَّذِي يُخْرِجُ مِنْهَا الثَّمَرَةَ؟
- ۳- و زائنه بأنجم كالذَّرِّ الْمُنْتَشِرِهِ
- ۴- مَنْ ذَا الَّذِي أَوْجَدَهَا فِي الْجَوْ مِثْلَ الشَّرَرَةِ؟
- ۵- ذاك هو الله الذي أَنْعَمَهُ مِنْهُمَزَهُ
- ۶- لا مَعَ الْأَسْفِ . لَكِنِّي أَحِبُّ أَنْ أُسَافِرَ .

### ب) تَرْجِمِ الْكَلِمَاتِ الَّتِي تَحْتَهَا خَطٌّ:

- أَحَدُ الْمَوْظُفِينَ فِي قَاعَةِ الْمَطَارِ  
 ۹ ۸ ۷  
 - وَأَنْظُرْ إِلَى الشَّمْسِ الَّتِي جَدُّوْثُهَا مُسْتَعْرَةٌ .  
 ۱۱ ۱۰  
 - أَنْعَمَهُ مِنْهُمَزَةٌ .  
 ۱۳ ۱۲  
 - ذَاتِ الْغُصُونِ النَّصْرَةِ  
 ۱۵ ۱۴

### ج) عَيِّنِ الصَّحِيحَ فِي تَرْجُمَةِ الْأَفْعَالِ:

- |                |                          |                   |                          |
|----------------|--------------------------|-------------------|--------------------------|
| ۱۶- أَوْجَدَ   | <input type="checkbox"/> | الف) ایجاد کرد    | <input type="checkbox"/> |
| ۱۷- ابْحَثْ    | <input type="checkbox"/> | الف) بحث کن       | <input type="checkbox"/> |
| ۱۸- يُخْرِجُ   | <input type="checkbox"/> | الف) خارج می شود  | <input type="checkbox"/> |
| ۱۹- صَارَ      | <input type="checkbox"/> | الف) گشت          | <input type="checkbox"/> |
| ۲۰- يَنْفَعُ   | <input type="checkbox"/> | الف) سود می رساند | <input type="checkbox"/> |
| ۲۱- يَنْتَفِعُ | <input type="checkbox"/> | الف) سود می رساند | <input type="checkbox"/> |
|                | <input type="checkbox"/> | ب) ایجاد شد       | <input type="checkbox"/> |
|                | <input type="checkbox"/> | ب) جست و جو کن    | <input type="checkbox"/> |
|                | <input type="checkbox"/> | ب) خارج می کند    | <input type="checkbox"/> |
|                | <input type="checkbox"/> | ب) گردانید        | <input type="checkbox"/> |
|                | <input type="checkbox"/> | ب) سود می برد     | <input type="checkbox"/> |
|                | <input type="checkbox"/> | ب) سود می برد     | <input type="checkbox"/> |

### د) كَمِّلِ التَّرْجُمَةَ:

- ۲۲- أَنْظُرْ إِلَيَّ اللَّيْلَ فَمَنْ أَوْجَدَ فِيهِ قَمَرَهُ .  
به شب ..... پس ..... ماه را در آن ایجاد کرد.
- ۲۳- ﴿وَيَتَفَكَّرُونَ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَاطِلًا﴾  
در ..... می اندیشند ای پروردگار ما، این را بیهوده .....
- ۲۴- مَا تَزْرَعُ فِي الدُّنْيَا تَخْصُدُ فِي الْآخِرَةِ .  
هر چه در دنیا ..... .
- ۲۵- عَلَيْكُمْ بِالصَّبْرِ فَإِنَّ الصَّبْرَ مِنَ الْإِيمَانِ كَالرَّأْسِ مِنَ الْجَسَدِ .  
شما باید صبر کنید، زیرا .....

### هـ) عَيِّنِ نَوْعَ الْفِعْلِ (الْمَاضِي وَ الْمَضارع وَ الْأَمْر وَ النَّهْي) فِي الْعِبَارَاتِ التَّالِيَةِ:

- ۲۶- أَنْظُرْ إِلَى مَا قَالَ وَ لَا تَنْظُرْ إِلَى مَنْ قَالَ .
- ۲۷- ﴿وَ إِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا﴾
- ۲۸- الْعَاقِلُ مَنْ يَعْرِفُ خَيْرَ الشَّرِّينِ .
- ۲۹- إِذَا قَدَّرْتَ عَلَى عَدُوِّكَ؛ فَاجْعَلِ الْعَفْوَ عَنْهُ شُكْرًا لِلْقُدْرَةِ عَلَيْهِ .

الدَّرْسُ الأوَّل

و اُكْتُبِ المتضادات و المترادفات من الكلمات التالية:

السحاب / حَصَدَ / الجذوة / اليوم / تعيش / الظلمات / تموت / زرع / الطازجة / النور / الغيم / غداً / الشررة / النضرة

- ٣٠- ..... ٣١- ..... ٣٢- ..... ٣٣- .....  
٣٤- ..... ٣٥- ..... ٣٦- .....

ز عَيِّن التَّرْجَمَةَ الصَّحِيحَةَ:

- ٣٧- وانظُرْ إلى الغيمِ فمن ذا الذي أُنزِلَ مِنْهُ مَطَرُهُ؟  
 (الف) به ابر بنگر، پس این کیست که از آن، باران‌ها را نازل کرد؟  
 (ب) به ابر نگاه کن، پس این چه کسی است که از آن، باران نازل کرد؟  
 (ج) به ابرها بنگر، پس آن کیست که از آن باران، نازل می‌کند؟  
 ٣٨- أُتِجِبُ أَنْ أُسَافِرَ إِلَى بِلَادِكَ الْجَمِيلَةِ؟  
 (الف) آیا دوست داری که به کشور زیبایت سفر کنی؟  
 (ب) آیا دوست دارد که به کشورت که زیباست سفر کند؟  
 (ج) آیا دوست داری که به کشور زیبایت سفر کنم؟  
 ٣٩- وَ زَانَهُ بِأَنْجُمٍ كَالدُّرِّ الْمُنْتَشِرَةِ.  
 (الف) و آن را مانند مروارید پراکنده با ستاره‌ای زینت داد.  
 (ب) و آن را با ستاره‌هایی همچون مرواریدهای پراکنده آراست.  
 (ج) و آن را همانند مرواریدهایی پراکنده با ستاره‌ای زینت بخشید.

ح عَيِّن ضميراً مناسباً للفعل ثُمَّ تَرْجِمِ الجُمْلَةَ:

- ٤٠- ( ) أَنْتِ ..... ( ) أَنْتُمْ ..... ( ) أَنْتَنِ .....  
 ٤١- ( ) هُم ..... ( ) هَمَا ..... ( ) أَنْتَمَا .....  
 ٤٢- ( ) أَنَا ..... ( ) أَنْتُمْ ..... ( ) نَحْنُ .....

ط اُكْتُبِ وزن الكلمات التالية و حروفها الأصلية:

- ٤٣- مَزْرَعَةٌ ..... زَارِعٌ ..... زَرَعٌ ..... زِرَاعَةٌ .....  
 ٤٤- قَادِرٌ ..... مُقْتَدِرٌ ..... تَقْدِيرٌ ..... إِقْتِدَارٌ .....  
 ٤٥- حَطَّابٌ ..... حَطَّابٌ ..... حَطَّابٌ ..... حَطَّابٌ .....  
 ٤٦- حَرِيقٌ ..... إِحْتِرَاقٌ ..... مُخْتَرِقَةٌ ..... مُخْرَقٌ .....

ی صَنع هذه التراكيب في مكانها المناسب، ثُمَّ تَرْجِمِهَا:

هؤلاء العالمون / تلك الدُّرر / هذان النجمان / هذه الحكمة / هاتان البطارتان / هذا الغيم / هذه الحوارات

٤٧	٤٨	٤٩	٥٠	٥١	٥٢	٥٣
مفرد مذکر	مفرد مؤنث	مثنی مذکر	مثنی مؤنث	جمع مذکر سالم	جمع مؤنث سالم	جمع مکسر

ک صَنع الكلمة المناسبة في مكانها من الكلمات التالية: (كلمات زائدتان)

الغيم / القمر / الأُنْجُمُ / الشَّمْسُ / التَّهَارُ / الغداء

- ٥٤- ..... تدورُ الأَرْضُ حولَها و ضياءُها مِنْ نَفْسِهَا.  
 ٥٥- ..... يَتَجَمَّعُ البخارُ فِيهِ وَ يَنْزِلُ المَطَرُ مِنْهُ.  
 ٥٦- ..... مصابيحُ السماء و زِينَتُهَا فِي اللَّيْلِ.  
 ٥٧- ..... طعامُ نَأْكُلُ بَيْنَ الفُطُورِ وَ العشاءِ.

ل) اکتب في الفراغ كلمة مناسبة حسب المعنى:

- الأعداد الأصلية هي: ..... / اثنان / ..... / أربعة / خمسة /

٥٩ ٥٨

- الأعداد الأصلية: ..... / سبعة / ثمانية / تسعة / ..... / أحد عشر /

٦٢ ٦١ ٦٠

- الأعداد الترتيبية هي: الخامس / ..... / السابع / ..... / التاسع /

٦٥ ٦٤ ٦٣

- أيام الأسبوع سبعة و هي: يوم ..... والأحد و ..... والثلاثاء و .....

٦٨ ٦٧ ٦٦

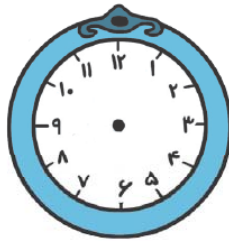
- نأكل ..... في الصباح و ..... في الظهر والعشاء في الليل.

٧٠ ٦٩

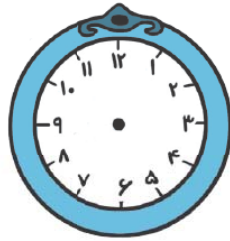
- لون السماء ..... و لون الموز ..... و لون الغراب .....

٧٣ ٧٢ ٧١

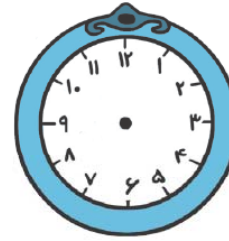
م) أزرع عقارب الساعات:



٧٦- الزابعة والرابع



٧٥- التاسعة والنصف



٧٤- الزابعة إلا ربعاً

ن) ضع في الفراغ ضميراً مناسباً:

٧٧- ما مهنتك يا أخي؟ - ..... حداد.

٧٨- هل هؤلاء الطالبات حضرات؟ - نعم ..... جالسات في الصف.

٧٩- من أنتم؟ - ..... سائحون من لبنان.

هو  أنا  أنت  نحن   
 أنتم  أتنن  هن  هم   
 أنتم  نحن  هن  هم

س) تترجم الأفعال التالية و اكتب نوعها:

- ٨٠- كانوا يظلمون / .....  
 ٨١- لا تدخل / .....  
 ٨٢- لا تدخل / .....  
 ٨٣- سوف يرجع / .....  
 ٨٤- اجعلوا / .....  
 ٨٥- ما طلبنا / .....

ع) رتب الكلمات التالية ثم اكتب سؤالاً و جواباً صحيحاً:

الكريم / اسمي / ما / اسمك / حسين

٨٧- .....

٨٦- .....

ف) عين السؤال المناسب لهذه العبارة: «أنا بخير»

الف) من أين أنت؟  ب) كيف حالك؟  ج) ما اسمك؟

## پاسخ سؤال‌های امتحانی

### الف) عبارتهای زیر را ترجمه کن:

- ۱- چگونه از دانه‌ای رویید و چگونه درخت شد؟
- ۲- جست‌وجو کن و بگو این کیست که از آن، میوه را خارج می‌کند.
- ۳- و آن را با ستارگانی همچون مرواریدهای پراکنده زینت داد.
- ۴- این کیست که آن (خورشید) را در هوا مانند پاره‌ی آتش پدید آورده است.
- ۵- «... آن همان خدایی است که نعمت‌هایش ریزان است»
- ۶- «... نه متأسفانه، ولی من دوست دارم که سفر کنم ...»

### ب) کلماتی را که خط کشیده شده ترجمه کن:

- |                |             |               |
|----------------|-------------|---------------|
| ۷- کارمندان    | ۸- سالن     | ۹- فرودگاه    |
| ۱۰- پاره‌ی آتش | ۱۱- فروزان  | ۱۲- نعمت‌ها   |
| ۱۳- ریزان      | ۱۴- شاخه‌ها | ۱۵- تر و تازه |

### ج) در ترجمه‌ی فعل‌ها، صحیح را مشخص کن.

- |                    |                       |                    |
|--------------------|-----------------------|--------------------|
| ۱۶- الف) ایجاد کرد | ۱۷- ب) جست‌وجو کن     | ۱۸- ب) خارج می‌کند |
| ۱۹- الف) گشت       | ۲۰- الف) سود می‌رساند | ۲۱- ب) سود می‌برد  |

### د) ترجمه را کامل کن:

- ۲۲- ... نگاه کن - چه کسی.
- ۲۳- ... آفرینش آسمان‌ها و زمین - نیافریدی.
- ۲۴- ... بکاری، در آخرت درو می‌کنی.
- ۲۵- ... صبر نسبت به ایمان همانند سر نسبت به بدن است.

### ه) نوع فعل را در عبارتهای زیر مشخص کن:

- ۲۶- [به چیزی که گفت بنگر و به کسی که گفت منگر]. **أَنْظُرُ**: فعل امر / **قَالَ**: فعل ماضی / **لَا تَنْظُرُ**: فعل نهی
- ۲۷- [او هنگامی که به فرشتگان گفتیم برای آدم سجده کنید پس سجده کردند]. **قُلْنَا**: فعل ماضی / **أَسْجُدُوا**: فعل امر / **سَجَدُوا**: فعل ماضی
- ۲۸- [عقل کسی است که از دو بدی بهترین را بشناسد]. **يَعْرِفُ**: فعل مضارع
- ۲۹- [هرگاه بر دشمن قدرت یافتی، بخشیدن و عفو او را شگری برای قدرت و تسلط بر او قرار ده]. **قَدَّرْتَ**: فعل ماضی / **إِجْعَلْ**: امر

### و) از کلمات زیر، متضادها و مترادف‌ها را بنویس. (دو کلمه اضافی است):

- |                          |                             |                                |                  |
|--------------------------|-----------------------------|--------------------------------|------------------|
| ۳۰- السَّحَابُ ☞ الغَيمُ | ۳۱- حَصَدَ ☞ زَرَعَ         | ۳۲- الجَدْوَةُ ☞ الشَّرَّةُ    | ۳۳- اليوم ☞ غداً |
| ۳۴- تَعِيشُ ☞ تَمُوتُ    | ۳۵- الظُّلُمَاتُ ☞ النُّورُ | ۳۶- الطَّالِجَةُ ☞ النُّصْرَةُ |                  |

### ز) ترجمه‌ی صحیح را مشخص کن:

- ۳۷- (ب) الغَيمُ: ابر و المَطَرُ: باران، مفرد هستند نه جمع / **أَنْزَلَ**: نازل کرد، فعل ماضی است نه مضارع.
- ۳۸- (ج) تُحِبُّ: دوست داری / **أَنْ أَسَافِرَ**: سفر کنم / **بِلَادِكَ الْجَمِيلَةِ**: کشور زیبایت
- ۳۹- (ب) **أَنْجُمٌ**: ستارگان و **دُرَرٌ**: مرواریدها، جمع هستند نه مفرد.

### ح) ضمیر مناسبی برای فعل مشخص کن و سپس جمله را ترجمه کن.

- ۴۰- **أَنْتَ سَتَسْمَعِينَ**: تو خواهی شنید. (مستقبل)
- ۴۱- **هَما كَانا يَلعبان**: آن‌ها بازی می‌کردند. (ماضی استمراری)
- ۴۲- **نحن سَنَصْعَدُ**: ما بالا خواهیم رفت. (مستقبل)

### ط) وزن کلمات زیر و حروف اصلی آن‌ها را بنویس:

- ۴۳- بر وزنِ **مُفَعَّلَة** - **فَاعِل** - **فَعْل** - **فِعَالَة** / از ریشه‌ی: زرع
- ۴۴- بر وزنِ **فَاعِل** - **مُفَعَّل** - **تَفَعَّل** - **إِفْتَعَلَ** / از ریشه‌ی: ق در

۴۵- بر وزنِ فَعَالٍ - فَعِيلٍ - مُفَاعَلٍ از ریشه‌ی: خ ط ب

۴۶- بر وزنِ فَعِيلٍ - اِفْتَعَالَ - مُفْتَعِلَةً - مُفْعِلٍ از ریشه‌ی: ح ر ق

ی این ترکیب‌ها را در جای مناسبش قرار بده، سپس آن‌ها را ترجمه کن:

۴۷- هذا الغيم: این ابر

۴۸- هذه الحكمة: این حکمت

۴۹- هذان النجمان: این دو ستاره

۵۰- هاتان البطارتان: این دو باتری

۵۱- هؤلاء العالمون: این دانشمندان

۵۲- هذه الجوارات: این گف‌وگوها

۵۳- تلك الدرر: آن مرواریدها

ک از کلمات زیر، کلمه‌ی مناسب را در جای مناسبش قرار بده، (دو کلمه اضافی است).

۵۴- الشمس: خورشید [زمین به دور آن می‌چرخد و روشنایی آن از خودش است].

۵۵- الغيم: ابر [بخار در آن جمع می‌شود و باران از آن می‌بارد].

۵۶- النجوم: ستارگان [چراغ‌های آسمان و زینت آن در شب است].

۵۷- الغداء: نهار [غذایی که میان صبحانه و شام می‌خوریم].

ل در جای خالی مطابق معنا کلمه‌ی مناسبی بنویس:

۵۸- واحد	۵۹- ثلاثة	۶۰- ستة	۶۱- عشرة	۶۲- اثنا عشر
۶۳- السادس	۶۴- الثامن	۶۵- العاشر	۶۶- السبث	۶۷- الإثنین
۶۸- الأربعا	۶۹- الفطور	۷۰- الغداء	۷۱- أرزق	۷۲- أصفر
۷۳- أسود				

م عقربه‌های ساعت را رسم کن:



۷۶- چهار و ربع



۷۵- نه و نیم



۷۴- یک ربع به چهار

ن در جای خالی ضمیر مناسبی قرار بده:

۷۷- أنا ای برادرم شغلت چیست؟ من آهنگر هستم.

۷۸- هن آیا این دانش‌آموزان (دختر) حاضر هستند؟ بله آن‌ها در کلاس نشسته‌اند.

۷۹- نحن شما کیستید؟ ما گردشگرانی از لبنان هستیم.

س فعل‌های زیر را ترجمه کن و نوع آن‌ها را بنویس:

۸۰- ستم می‌کردند (ماضی استمراری)

۸۱- وارد نشو (نهی) انتهای فعل تغییر یافته (مجزوم شده) ۲ ← ۳: لا تدخل

۸۲- وارد نمی‌شوی (مضارع منفی)

۸۳- باز خواهد گشت (مستقبل)

۸۴- قرار دهید (امر)

۸۵- درخواست نکردیم (ماضی منفی)

ع کلمات زیر را مرتب کن، سپس سؤال و جواب صحیحی را بنویس:

۸۶- ما اسمك الكريم؟

۸۷- اسمي حسين؟

ف سؤال مناسب برای این جمله را مشخص کن: «من خوبم»

(ب) حالت چه‌طور است؟

## سؤالهای چهارگزینه‌ای

- ۱- عین ما لیس فیہ فعل:
- (الف) الحمدُ للخالق الَّذی خَلَقَ الدنیا
- (ج) کیف نَمَت من حَبَّة
- (ب) إن طَلَب العِلْم فَریضَةٌ
- (د) وانظُرْ إلى الغَیم و قُل
- ۲- ما هو المفرد؟
- (الف) أنجُم
- (ج) الغَیم
- (ب) الغُصون
- (د) دُرر
- ۳- عین النہی:
- (الف) لا تجعلین
- (ج) لا تجعلون
- (ب) لا تجعلان
- (د) لا تجعلن
- ۴- عین الفعل الذي لا یناسبُ الأفعال الأخرى فی النوع:
- (الف) لا تشاهدين
- (ج) لا تعبري
- (ب) لا تلبسوا
- (د) لا تنزل
- ۵- عین الفعل الذي لا یناسبُ الأفعال الأخرى فی النوع:
- (الف) إبحثي
- (ج) إئتقَع
- (ب) إغسلوا
- (د) إحترم
- ۶- عین الفعل الذي لا یناسبُ الأفعال الأخرى فی النوع:
- (الف) سجدن
- (ج) یحزُنن
- (ب) غسَلن
- (د) شکرُن
- ۷- عین الفعل الذي لا یناسبُ الأفعال الأخرى فی النوع:
- (الف) سافرتم
- (ج) ستروا
- (ب) سلّمنا
- (د) سیزحّم
- ۸- عین الصّحیح للفرّاغ:
- المعلّمون.....التلامیذ غدًا.
- (الف) سوف یساعدون
- (ج) ساعدوا
- (ب) كانوا یساعدون
- (د) كانوا ساعدوا
- ۹- عین الصّحیح للفرّاغ:
- .....لونٌ یظہرُ فی أوراق الأشجار و النباتات فی الربیع.
- (الف) الأصفر
- (ج) الأبيض
- (ب) الأحمر
- (د) الأخضر
- ۱۰- عین الصّحیح للفرّاغ:
- الیومُ الخامسٌ من الأسبوع هو.....
- (الف) الخمیس
- (ج) الثلاثاء
- (ب) الأربعاء
- (د) الجمّعة



## پاسخ سؤال‌های چهارگزینه‌ای

- ۱- گزینه‌ی «ب»  
[آن چه را که در آن فعل نیست مشخص کن].  
«طَلَب» در این جا اسم (مصدر) است (خواستن دانش، واجب است).  
در سایر گزینه‌ها، «خَلَقَ - نَمَتَ - أَنْظَرُ - قُلَّ» فعل هستند.
- ۲- گزینه‌ی «ج»  
[مفرد کدام است؟]  
«الغیم: ابر» مفرد است، ولی سایر گزینه‌ها جمع هستند. (ستارگان - شاخه‌ها - مرواریدها)
- ۳- گزینه‌ی «د»  
[نهی را مشخص کن].  
حرف «ن» در «تَجَعَّلْنَ» حذف نمی‌شود، ولی سایر گزینه‌ها اگر نهی بودند حرف نون آن‌ها باید حذف می‌شد، زیرا ماقبل نون یکی از حروف «و - ا - ی» وجود دارد. این گزینه‌ها منفی هستند.
- ۴- گزینه‌ی «الف»  
[فعلی را که با فعل‌های دیگر از نظر نوع تناسب ندارد مشخص کن].  
«لا تشاهدین» فعل منفی است، ولی سایر گزینه‌ها نهی هستند، زیرا انتهای آن‌ها تغییر یافته است.
- ۵- گزینه‌ی «ج»  
[فعلی را که با فعل‌های دیگر از نظر نوع تناسب ندارد مشخص کن].  
«إِنْتَفَعْ» فعل ماضی است، ولی سایر گزینه‌ها امر هستند، زیرا انتهای آن‌ها تغییر یافته است.
- ۶- گزینه‌ی «ج»  
[فعلی را که با فعل‌های دیگر از نظر نوع تناسب ندارد مشخص کن].  
«يَخْرُسْنَ» فعل مضارع است، ولی سایر گزینه‌ها ماضی هستند.
- ۷- گزینه‌ی «د»  
[فعلی را که با فعل‌های دیگر از نظر نوع تناسب ندارد مشخص کن].  
«سَيَزِحْمُ» فعل مستقبل است، ولی سایر گزینه‌ها ماضی هستند.
- ۸- گزینه‌ی «الف»  
[برای جای خالی، صحیح را مشخص کن].  
با توجه به «غداً: فردا» به فعل مستقبل نیاز داریم. [معلم‌ها فردا به دانش‌آموزان کمک خواهند کرد].
- ۹- گزینه‌ی «د»  
[برای جای خالی، صحیح را مشخص کن].  
الأخضر: سبز [رنگی که در بهار در برگ‌های درختان و گیاهان آشکار می‌شود].
- ۱۰- گزینه‌ی «ب»  
[برای جای خالی، صحیح را مشخص کن].  
الأربعاء: چهارشنبه [روز پنجم از هفته]